



نوشین شهبازی فرد قهرمان تیراندازی

مصاحبه: مرجان مرادی زاده



بالا کار کردم.

✦ غیر از تو کسی تو بوشهر در این سطح هست؟

یه دختر دیگه هم هست و یه پسر بود که بعد از برگشتن از دوره ی قبل حذف شد.

✦ تا حالا تو چند تا مسابقه مقام آوردی؟ مقامات رو بگو.

دو بار در کشور مقام اول فردی رو کسب کردم؛ یک بار در مسابقات اروپایی جایزه ی بزرگ که در کشور چک برگزار شد مقام دوم فردی رو کسب کردم؛ در مسابقات غرب آسیا به میزبانی ایران مقام سوم تیمی رو به دست آوردم و در مسابقات سطح استان همیشه مقام اول فردی رو داشتم.

✦ الان برای چه تیمی تیراندازی می کنی؟

الان لیگ برتر تمام شده و قرارداد منم تمام شده. سه تا پیشنهاد دارم؛ یکی از تیم نیرو زمینی تهران - که بهترین تیم کشوره -؛ یکی از تیم اصفهان و یکی هم از تیم بوشهر که تازه در سطح کشوری وارد لیگ دسته دو شده.

✦ تصمیم داری کدام رو انتخاب کنی؟

بوشهر خیلی اصرار داره که به جای تیم تهران باهاشون قرارداد ببندم و تیم بوشهر رو در سطح کشور بالا ببریم؛ اما چون تیم بوشهر دسته دو ست، توانایی مناسب برای سفر و تأمین شرایط رو

گوشی تلفن را بر می دارم. دستم را به سمت صفحه کلید می برم و شماره ی نوشین را می گیرم. بعد از احوال پرسى برای مصاحبه در یک فضای کافه ای (!) از او وقت می گیرم و می خواهم که در اولین فرصت خبرم کند. بدون وقفه می گوید که امروز عصر کلاسش ساعت ۶ تمام می شود و قرار مصاحبه را برای ساعت شش و نیم در کافه ایشیا می گذاریم. تا ساعت شش و نیم برای پرسیدن سوال هایم از نوشین بی صبرانه انتظار می کشم:

✦ به بیوگرافی مختصر از خودت و رشته ت بگو.

نوشین شهبازی فرد؛ ۱۷ ساله؛ متولد شیراز؛ بزرگ شده ی بوشهر؛ دانش آموز سوم ریاضی فرزندگان بوشهر. در رشته ی تیراندازی با اسلحه ی بادی فعالیت می کنم.

✦ از چند سالگی تو این رشته بودی؟ از کجا شروع کردی؟

از هفت سالگی علاقه داشتم که به دلیل سن کم نتوانستم تو این رشته فعالیت کنم. از ۱۲ سالگی تا ۱۵ سالگی رشته های زیادی رو امتحان کردم و نتیجه گرفتم که تیراندازی رو بیشتر از همه دوست دارم و بیشتر از بقیه ی رشته ها تو این رشته استعداد دارم پس به طور جدی در سطح

فصل بالاترین مبلغ قرارداد یک میلیون تومان باشه و گاهی با پاداش و جایزه و مدال و کاپ و ... به دو میلیون تومان برسه...

✦ حرف آخر؟

با توجه به این که این رشته رشته ای که از همه ی سنینی می تونن توش شرکت کنن، به همه، مخصوصا هم سن و سال های خودم پیشنهاد می دم به طور جدی تو این رشته فعالیت کنن.

با توجه به مقدار پولی که نوشین می گیرد متوجه شدم که نوشین به پولی که می گیرد اهمیتی نمی دهد؛ وگر نه به جای ۸ روز از ۷ روز هفته را غایب بودن و هفته ای ۴ بار سوار هواپیمایی که الان سقوط کند یا دو دقیقه ی دیگر شدن، به مدرسه می آمد و جانم را به خطر نمی انداخت! علاقه ی نوشین را تحسین می کنم و برایش آرزوی موفقیت دارم.

نداره... البته هنوز تصمیم نگرفتم!

✦ یه کم بیشتر در مورد سطح تیم بوشهر در این رشته تو کشور بگو.

بوشهر امسال برای اولین بار تو این رشته برای شرکت در لیگ وارد عرصه ی کشوری شده؛ تو لیگ دسته دو؛ و برای رسیدن به لیگ برتر باید لیگ دسته یک رو رد کنه.

تو ایران با وجود این که این رشته تو چند سال اخیر جز پر مدال ترین رشته های کشور بوده، بهش توجه کمی میشه و تقریباً تمام توجه مسئولان به رشته هایی مثل فوتباله.

✦ معمولاً مبلغ قراردادت چقدره؟ (نوشین با اصرار زیاد حاضر به پاسخ گویی به این سوال می شود!)

در تیم های فوتبال برای خرید بازیکنان نه چندان خوب ده ها میلیون تومان پول خرج می کنند و برای این رشته ها شاید در طول یه

ده ساعتو بیسو هف دقیقه و سی ثانیه در شریف!

گزارش

بعدشم که گروه گروه صدامون کردنو رفتیم سر میزامون.

بیبی.....ب

از زمان برگزاری مسابقه نمی خوام چیزی بگم! هنگ کردن که دیگه گفتن نداره! با ما که هیچ وقت کار نشده بود در اون سطح، ما حتی نمی تونستیم از اطلاعات استفاده کنیم! چون حتی نمی دونستیم حروف فرمول ها از کدوم زبون هستند!!

و بعدشم قسمت مورد علاقه من: ناهار!! مفصل بود، جاتون خالی بعد از اون باید می رفتیم تا قسمتهای مختلف دانشگاه رو بهمون نشون بدن. وقتی فهمیدیم فقط قراره یه سری ساختمان تکراریو ببینیم بی خیال شدیم و رفتیم به سالن اختتامیه که سالن آمفی تئاتر بچه های شریف بود! جایزه ی پنج گروه اولو دادن! بچه های ساری و مشهد و تهران بودن. همه هم تیزهوشانی. و بعد وعده ی نفری یک ربع سکه به بقیه رو دادن که البته ما هنوز رنگشو ندیدیم! اما از بیرون اومدن بگم: تو اون محوطه به اون بزرگی گم شدیم و من و مرجان هرجا که می رفتیم می رسیدیم به زیرزمینی وحشتناک و آدمای عجیب که منجر می شد به فرارمون با سرعت ۲۰۰ متر بر ثانیه! باور کن! آخرش حین یکی از فرارامون از قسمت کناری یه مسجد راهنمایمون کردن به یک زیرزمین که به زور از زیرش با خم شدن رد شدیم و سر از وسط خیابون در آوردیم. تمام.

ماهوش چعی

استرسمون کم کرد. چند تایی هم اتوبوس پارک بود که شدن پناه من و رژین و مرجان توی اون بارون اول صبح. قرار بود مسابقه طرف سلف باشه، پیداش کردیم اما درش بسته بود! ما موندیم و بارونی که تندتر و تندتر می شد... مجبور شدیم اون پلیورهایی که داده بودن بهمون و چهار برابر خودمون بود رو بپوشیم! بالاخره یکی از بچه های برگزار کننده اومد و در رو برامون باز کرد؛ وارد سالنی شدیم که عکسشو می بینید:



برای گرفتن کارتمون باید میرفتیم به یک اردوگاه. طبق آدرس رسیدیم به یک جایی که دیگه تهران تمام میشد و میخورد به دل کوه و تله کابین! کوچکی ای رو دیدیم که شبیش نزدیک به نود بود! گفتیم نه بابا حتما یه جا دیگست این اردوگاه! اما دوباره که پرسیدیم دیدیم نه دقیقاً همونه! اونجا هم کارتامونو دادن هم یه پلیور هم یه کیف؛ همه با یه آرم شریف به چه ایهت...

و حالا منتظر فرداییم که بریمو با سردر دانشگاه عکس بگیریم. بالاخره دیدیم این سردر دانشگاه شریفو که منتظرش بودیم! یه تابلو قدیمی، از این آبی ها که رنگشم حسابی پریده اما یه جوری با افتخار روش نوشتن «دانشگاه صنعتی شریف»! حالا که می خواهیم عکس بگیریم می بینیم بچه های بقیه شهرها چنان مطمئن محوطه رو نگاه می کنند انگار که تو یک سال آینده به طور حتمی خودشونو اینجا تصور می کنن. خب، ما هم رومون نشد با سردر عکس بگیریم دیگه!

وارد دانشگاه می شیم. قدیمیه با یک عالمه ساختمان های بتونی و آجری که دانشکده ها هستن. با کف آسفالت ترک خورده و درختای بزرگ و بلند. قدیمی بودنش همین یه مزیتو داشت! این که منظره ی درختای بزرگ با بوی خاک بارون خورده یه خرده از

دست ما نرسیده است.

نتایج مرحله ی دوم المپیادهای علمی اعلام شد. ۲۳ خرداد ماه سال جاری نتایج مرحله ی دوم المپیادهای فیزیک، شیمی، کامپیوتر، زیست شناسی، نجوم و اخترفیزیک و ادبیات فارسی و به دنبال آن در تاریخ ۲۶ خرداد نتایج مرحله ی دوم المپیاد ریاضی از سوی باشگاه دانش پژوهان جوان اعلام شد. بر اساس اطلاعات منتشر شده، دانش آموزان شهر تهران اکثریت قبولی ها را به خود اختصاص داده اند. این موضوع اعتراض دانش آموزان دیگر شهرستان های کشور را برانگیخته است. در زیر صحبت های یکی از معترضان با خبرنگار ما را می خوانید:

«چون همیشه اوراق رو انسان ها تصحیح می کنند، پس احتمال اشتباه، هر چند کم وجود داره و این حق به همه واسه اعتراض داده شده. قبولی تهران به طرز سرسام آوری بالا رفته؛ این شک برانگیزه. تقصیر نظام آموزشی که مدرسه هایی مثل انرژئی اتمی یا علامه طباطبایی کاری کردن که هر کسی در عرض چند سال با پرداخت پول زیاد بتونه مرحله ۲ قبول شه. در واقع الان داره بیشتر به بخش ویتترین المپیاد توجه میشه. این که آموزش پولی بشه خلاف عدالته. همه باید بتونن در معرض آموزش برابر قرار بگیرن. به نظر من یک امتحان باید بسنجه که چقدر ماهیگیری بلدی، نه که چقدر ماهی داری؛ و باز هم به نظر من طی این چند سال که این سیستم جدید

از طرف مدارس مثل انرژئی اتمی و به خصوص علامه طباطبایی رو شده، دیده میشه افرادی که میرن دوره ی تابستونی (قبولی های مرحله ۲)، بینشون افرادی که ماهی زیاد دارن و ماهیگیری کم بلدن زیاد شده. پس یه اشکال هم به سؤال ها وارده که فقط میزان ماهی آدم ها رو می سنجند. می دونم من الان تو جایگاهی نیستم که در مورد سؤال ها نظر بدم؛ چون نه قدرتی دارم نه فایده ای؛ ولی گفتن این ها شاید باعث بشه که آگاهی عمومی بیشتر شه یا بفهمم نظر من اشتباه بوده.»

گفتنی است که در میان پذیرفته شدگان نامی از استان بوشهر دیده نمی شود.



یک کلافه چه کلافه

نماینده ی سمپاد در استان بوشهر از سمت خود کناره گیری کرد.

به گزارش خبرنگار ما، غلامرضا عالی پور که از سال ۱۳۸۲ به این سمت منصوب شده بود، در خردادماه سال جاری از سمت خود کناره گیری کرده است. وی جانشین نصرالله اسدی اولین رئیس سمپاد در بوشهر و عضو کنونی شورای شهر بوشهر شده بود.

هنوز از دلیل کناره گیری یا برکناری عالی پور و همچنین جانشین وی در سمپاد اطلاعات موثقی به